



برگی از شرح حال شیخ شهاب‌الدین محمود اهری

بهر روز ایمانی

صوفیانه او تصور و ترسیم کرد: صوفی صاحب‌دل، که طریق معرفت پیموده، نفس را به صیقل تهذیب جلا داده، و به دور از تب و تاب‌های اجتماع آن روزگار آذربایجان، در شهری کوچک (اهر) اقامت گزیده و به عبادت و ارشاد پرداخته و در گوشه خانقاه خود روی در نقاب خاک کشیده است.

آن چنان که ابن بزاز اشاره کرده، سلسله ارشاد و تربیت شیخ صفی‌الدین اردبیلی (۷۲۳۵۶۵۰ ه. ق.) به دو واسطه (شیخ زاهد گیلانی و سید جمال‌الدین تبریزی) به شیخ شهاب‌الدین اهری می‌پیوندد، و از این جهت است که تاریخ نگاران دوره صفوی، آنجا که به تبارشناسی خاندان پادشاهی صفوی می‌پردازند و از سر سلسله این خاندان، شیخ صفی‌الدین اردبیلی، سخن می‌گویند، از شیخ شهاب‌الدین اهری نیز یاد می‌کنند، چنان که این مورد را فراهم آورنده رساله حاضر نیز تبیین نموده است.

به هر حال، شهاب‌الدین محمود اهری در مکتب تصوف آذربایجان، دارای مقام بلند و شخصیت برجسته‌ای است و اگر شرح حال بیشتر و ملفوظات و مکتوباتی از وی به دست می‌رسید، بهتر شناخته می‌شد و جایگاه و پایگاه او در مکتب تصوف آذربایجان (سده‌های ششم و هفتم هجری) روشنتر، مشخص می‌گردید. به روایت حافظ حسین کربلایی، شیخ شهاب‌الدین اهری، سه مرید «کامل مکمل» را در مکتب ارشاد ارادت خود پرورده است: سید جمال‌الدین تبریزی^۶ (پیر شیخ زاهد گیلانی)، بابا فرج وایقانی^۷، شیخ معین‌الدین اصحاب^۸ (استاد باله حسن بنیسی)^۹ آرامگاه شیخ شهاب‌الدین در شهرستان اهر، در همان خانقاه که به ارشاد و عبادت می‌پرداخته و اکنون به بقعه شیخ شهاب‌الدین معروف می‌باشد، واقع است. بقعه شیخ از سده هفتم هجری، دارای ساختمان و تشکیلات بوده و در دوره صفوی، مرمت و تجدید عمارت شده است.^{۱۰} چنان که مورخان دوره صفوی نوشته‌اند، شاه عباس اول، به تجدید و ترتیب عمارات عالیه تربت شریف شیخ شهاب‌الدین اهری اقدام نموده.^{۱۱}

آرامگاه شیخ، زیارتگاه مشایخ صوفیه، دانشوران، دولتمردان صفوی بوده

شیخ شهاب‌الدین محمود اهری، از مشایخ صوفیه آذربایجان در نیمه دوم سده ششم و نیمه نخستین سده هفتم هجری است. گویا در میان سالهای ۵۶۸-۵۸۰ ه. ق. در اهر پا به اقلیم هستی نهاده و به سال ۶۶۵ ه. ق. در آن دیار، روی در نقاب خاک کشیده است. از زیست‌نامه وی، آگاهی مفصل و جامع در دست نیست و هرچه درباره او نوشته‌اند، برگرفته از اطلاعات پراکنده و گسیخته‌ای است که از وی در سرچشمه‌های تصوف و تاریخ موجود است.

حافظ حسین کربلایی در روضات الجنات آنجا که نسب نامه خاندان عتیقی تبریز را معین نموده، او را با عنوان شهاب‌الدین محمود تبریزی ذکر کرده است.^۱ حشری تبریزی در روضة الاطهار در طی قصه‌ای، که ساختگی می‌نماید و در صحت آن تردید کلی می‌توان روا داشت، نحوه برخورد رکن‌الدین سجاسی^۲ با شهاب‌الدین محمود اهری را بیان نموده و آورده است که شیخ شهاب‌الدین برای دیدار رکن‌الدین سجاسی به مدرسه سرخاب تبریز رفت و چون کرامات وی را دید، حلقه ارادت او را در گوش جان کرد و در آن مدرسه «به ریاضت مشغول شد. سه جله بیاورد و چندانی ریاضت کشید، که پوست از تن مبارکش جدا شد. بعد از آن به سجاس به خدمت شیخ رفت. شیخ، وی را تحسین نموده، فرمود که آن چه به خاصان بعد از چهل سال عنایت می‌شود، در این مدت قلیل، بیش از آن از درگاه واهب مستعان به تو شفقت شده است. پس دختر خود خدیجه خاتون را به وی عقد نمود و نقد ارشاد به الهام رب العباد به وی تسلیم فرمود. وی را به قایم مقامی و مرشدی خلائق تعیین نمود و فرمود که به اهر برو و مردم را به حق دلالت کن. شیخ شهاب‌الدین محمود اهری به فرموده شیخ رکن‌الدین در اهر ساکن گشته، تا آخر عمر به ارشاد و هدایت عبداللّه قیام می‌نمود.»^۳

چنان که ذکر کردیم، اطلاعات موثق و بسیار از شیخ شهاب‌الدین اهری در دست نیست و با تدوین آگاهیهای اندک و ناچیز، که از وی در منابع تصوف و تاریخ موجود است، می‌توان نمایی کم‌رنگ از زندگی و شخصیت

است. شیخ صفی‌الدین اردبیلی، گاه در بقعه شیخ شهاب‌الدین به سر می‌برده.^{۱۲} شیخ بهایی در مسافرت‌های شاه عباس، در سال ۱۰۱۸ ه. ق. به اهر آمده و پس از زیارت مرقد شیخ شهاب‌الدین، در بقعه وی بیتوته کرده و با دستخط خود بر لوحه سنگی قرمز رنگی به ابعاد ۸۲ × ۴۲ سانتی، که بر دیوار جنوبی مسجد کوچک بقعه شیخ شهاب‌الدین نصب شده، چنین نوشته است: «بسم‌الله الرحمن الرحیم. در عشر ثالث شهر شعبان المعظم سنه ۱۰۱۸ به زیارت این مزار فائز الانوار مشرف شدیم و به مصحف، که وقف مزار است، تفأل واقع شد، که مرتبه شیخ شهاب‌الدین. علیه التحیه و الرضوان. در درگاه الهی چه مقدار باشد، این آیه کریمه به فال نیک آمد: «لیبشرهم ربهم برحمة منه و رضوان و جنات لهم فیها نعیم مقیم خالدین فیها ابدأ ان الله عنده اجرأ عظیم»^{۱۳} (محمد عاملی).^{۱۴}

شاه عباس اول در سال ۱۰۱۴ ه. ق. که عازم فتح شیروان بوده، رهسپار تبریز شده و از آنجا به اردبیل جهت زیارت آرامگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی رفته، پس از آن به اهر آمده و مزار شیخ شهاب‌الدین را زیارت کرده است.^{۱۵} شاه عباس در سال ۱۰۲۶ ه. ق. نیز جهت زیارت مقبره شیخ شهاب‌الدین به اهر مسافرت کرده است.^{۱۶} شیخ صفی نیز در سال ۱۰۴۴ ه. ق. به اهر رسیده و به زیارت آرامگاه شیخ شهاب‌الدین توفیق یافته است.^{۱۷}

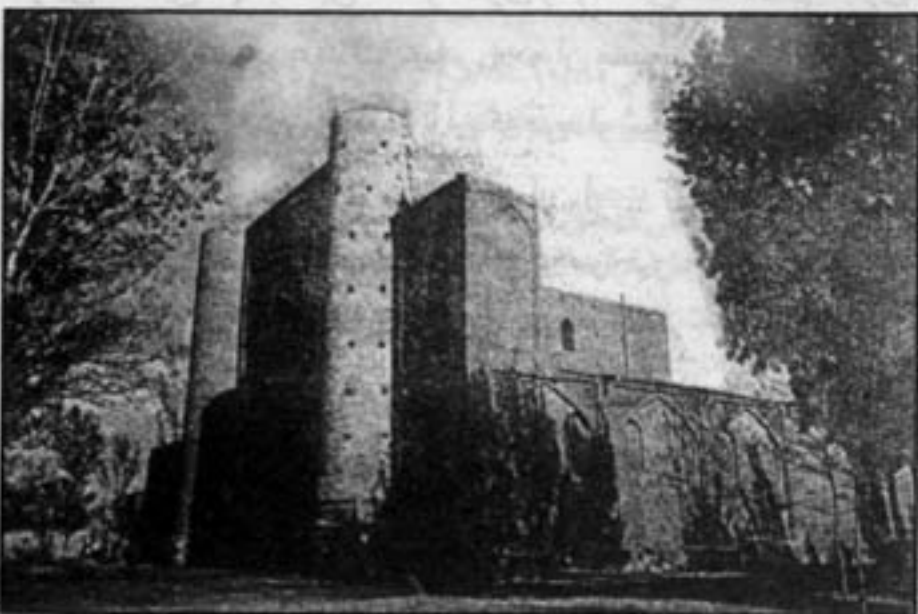
نخستین تحقیق تفصیلی، که درباره شیخ شهاب‌الدین اهری صورت گرفته، به‌خامه مرحوم رحیم کاشفی اهری است. وی کتاب شرح حال و زندگی پرافتخار شیخ محمود شهاب‌الدین اهری را در سال ۱۳۴۲ تألیف کرده است.^{۱۸} اما هنوز به صورت دستنویس در خانواده ایشان موجود و محفوظ است و امیدواریم روزی به چاپ برسد. این دستنویس، مدتی در اختیار دوست فاضل و اندیشور، جناب آقای حسین دوستی بوده و بنا بر گفته شفاهی ایشان به نگارنده، خانواده مرحوم کاشفی اهری، اجازه چاپ و انتشار آن را به وی نداده است.

دومین تحقیق مستقل درباره شیخ شهاب‌الدین، به قلم زنده یاد، استاد علی منفردی، شاعر و محقق نامور ارسباران^{۱۹}، تألیف و تدوین، و در سال ۱۳۶۱ در ۳۲ صفحه منتشر شده است.^{۲۰} استاد منفردی در این کتابچه، شمه‌ای از زیست‌نامه شیخ شهاب‌الدین را به نقل از چند منبع روایت کرده، و در ادامه، توضیح نسبتاً مفصل درباره بقعه شیخ شهاب‌الدین ارائه داده است. سومین، و در واقع باید گفت عمده‌ترین و مفصل‌ترین تفحص و تحقیق، که درباره شیخ شهاب‌الدین اهری تاکنون صورت گرفته، کتاب سیری در احوال و آثار شیخ شهاب‌الدین محمود اهری به قلم فاضل ارجمند، جناب آقای حسین دوستی است، که در سال ۱۳۷۷ انتشار یافته است. آقای دوستی در این کتاب، اقوال و مطالب پراکنده مربوط به شیخ شهاب‌الدین اهری را از سرچشمه‌های تاریخ و تصوف فراهم آورده، و با تحلیل و بررسی آنها و نیز با اصلاح مطالب نادرست چندی از پژوهندگان

معاصر درباره شهاب‌الدین اهری، چهره نسبتاً روشنتری از این صوفی صافی دل، معرفی کرده است. خدایش توفیق بیشتر دهاد! نگارنده، که امسال به تفحص و تصفح کراسه المعی (دستنویس شماره ۹۴۵۰۵۳) کتابخانه مجلس شورای اسلامی توفیق یافت، در نخستین مجلد آن (شماره ۹۴۵۰) رساله‌واره‌ای در یک برگ، در ترجمه حال شیخ شهاب‌الدین محمود اهری یافت و چاپ آن را مفید فایده دانست. پنداشت که شاید این دو صفحه، آنان را که مکتب تصوف آذربایجان، و سیر تاریخی آن را پی و نشان می‌جویند، و شرح حال شیخ شهاب‌الدین اهری را می‌طلبند، به کار آید. هر چند مطالب این دو صفحه، طرفه نیست و بازنویست همان اطلاعات پراکنده و گسیخته از شیخ شهاب‌الدین در منابع تاریخی است، اما با این حال، خالی از فایده نیست، و به قول بیهقی: چیزی نیست که به یکبار خواندن نیارزد.

کراسه المعی بیشتر در بردارنده رسائل و مطالب تاریخی است و گاه در مطاوی آنها، موضوعات و مطالب متفرقه‌ای نیز به چشم می‌خورد، که صورت احوال شیخ شهاب‌الدین محمود اهری از آن جمله است. این مجموعه سترگ چهار مجلدی را میرزا غلامحسین خان افضل‌الملک، متخلص به المعی (۱۲۰۹-۱۳۴۸ ه. ق.) ادیب و تاریخ‌نگار نامی دوره قاجار^{۲۱} فراهم آورده است. درینا که این مجموعه بزرگ در بخش مخطوطات کتابخانه مجلس شورای اسلامی، همچنان غبارالوده، کنج عزلت گزیده است، و گاه دست پژوهنده‌ای، آن را از انزوا درمی‌آورد و به دیده مطالعه برمی‌آورد. امید است پژوهشگران تاریخ ایران، دست از آستین همت برآورند و به چاپ و انتشار آن تلاش ورزند. اهمیت این کراسه در مطالعات تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تاریخ ایران، بر پژوهندگان تاریخ این سرزمین پوشیده نیست.

صورت رساله در احوالات شیخ شهاب‌الدین اهری را یکی از نویسندگان چهارگانه نامه دانشوران ناصری به نام شیخ مهدی قزوینی عبدر بآبادی، معروف به شمس‌العلماء قزوینی (درگذشته ۱۳۳۱ ه. ق.^{۲۲}) در شب جمعه



۲۲ ربیع الثانی سال ۱۳۰۵ هـ . ق. به امر اعتمادالسلطنه (۱۲۵۹.۱۳۱۳ هـ . ق.) دولتمرد و دانشور پرآوازه دوره قاجار، تالیف و تدوین کرده و افضل الملک آن را عیناً در کراسه المعی، مجلد نخست (دستنویس شماره ۹۴۵۰ کتابخانه مجلس شورای اسلامی) صفحات ۳۵۱.۳۵۰ نقل کرده است. (۵۲۶-۲۵)

شمس العلماء قزوینی، آن گاه که اعتمادالسلطنه، تصدی وزارت انطباعات و دارالتالیف را بر عهده داشته، به فرمان وی، این وجیزه را در شرح حال شیخ شهاب‌الدین اهری تالیف و تدوین کرده است. در اینجا این صورت حال شیخ شهاب‌الدین را بازنوشت و نقل می‌کنیم، امید که مفید باشد.

صورت رساله در احوالات شیخ شهاب‌الدین اهری در شب جمعه ۲۲ شهر ربیع الثانی ۱۳۰۵ نوشته، تقدیم حضور مبارک گردید.

شیخ شهاب‌الدین اهری از مشاهیر مشایخ و معاریف عرفاء است. اسم او را محمود نوشته‌اند. این شخص از مرشدها و متصوفه مائة هفتم هجری بوده و اهمیّت و اعتبار او فقط از جهت این است که سلسله ارشاد شیخ صفی‌الدین اسحق، نیای اعلاّی سلاطین صفویه، به او می‌رسد و در جمله مشایخ و اصحاب خرّقه مشارالیه واقع شده، و از این رهگذر است که در کتب رجال و شرح احوال عرفاء از وی اسمی نبرده‌اند و آنچه از اسم وی به نظر می‌رسد، منحصر است به تواریخ صفویه و کتبی که بعد از عصر آن سلسله تصنیف شده و از تواریخ ایشان نقل گردیده است. و سلاطین اولاد شیخ صفی‌الدین، محض این که مشارالیه، مرشد و شیخ جد ایشان بوده، هر وقت از حدود قراداغ می‌گذشته‌اند، به زیارت این مقبره می‌رفته‌اند، چنان که اشاره خواهد شد.

و علی التحقیق، بنای این بقعه و بارگاه، و احداث مسجد و خانقاه و مهمانخانه و باغ در آن مقام نیز از آثار سلاطین صفویه است. و آن اینیه و عمارت را باید شاه طهماسب اول، و یا شاه عباس کبیر، بنیاد کرده باشد.

و این که شیخ شهاب‌الدین محمود اهری را از مشایخ مائة هفتم هجری می‌دانیم، بلکه باید آخر عهد بنی عباس و دوران مستعصم عباسی و زمان فتنه قتل عام بغداد را دریافته باشد، با آن که مرید او شیخ صفی‌الدین اسحق در هفتصد و سی و پنج وفات یافته، برای این است که شیخ صفی‌الدین اسحق، مرید بلاواسطه شیخ شهاب‌الدین محمود نبوده است، بلکه سند ارشاد او به دو واسطه به شیخ مذکور می‌رسد.

مورّخین صفویه و کسانی که شرح احوال شیخ صفی را نوشته‌اند، از قبیل قاضی نورالله ششتیری و میرزا حسن زنوزی و غیرهم، همه تصریح می‌کنند که شیخ صفی، مرید شیخ زاهد گیلانی بوده است و او مرید شیخ جمال‌الدین

تبریزی است و او مرید شیخ شهاب‌الدین اهری، پس شهاب‌الدین مذکور، بلاشک، عهد خلفای عباسی را دریافته است، بلکه محتمل است قویاً که این شهاب‌الدین اهری، شهاب‌الدین سهروردی، شیخ الشیوخ بغداد را، که رئیس و پیشوای متصوفه عصر خود بود و از جانب خلیفه ناصر عباسی به سفارت به نزد سلطان محمد خوارزمشاه آمد، نیز ادراک نموده باشد.

بالجمله، میرزا حسن بن میر عبدالرسول زنوزی در ریاض الجنّة می‌گوید: «اهر: شهر کوچکی است. هوایش سرد، و آبش از رودی است که بدانجا منسوب است، از جبال اشکنبر برمی‌خیزد. و ولایتش قریب بیست پاره دیه است، و قبر قطب الاولیاء، شیخ شهاب‌الدین اهری، مرشد شیخ الاصفیاء، شیخ صفی اردبیلی در آنجا است [۳۵۰] و اساس و عمارات بسیار عالی در سر مقبره از مسجد و خانقاه و آش خانه و غیرها ساخته، و ضریح سر قبرش از سنگ است. در کمال امتیاز ساخته شده است. و در سر قبر او قرآن بزرگی است به خط کوفی، بسیار جلی و خوب نوشته شده. گویند خط جناب علی بن ابیطالب است. ۳۳ اطراف مقبره، باغ بسیار بزرگی بوده، اکنون خراب است، و مزار والده شیخ هم آنجاست. ۳۴»

قاضی نورالله در شرح احوال شیخ صفی‌الدین اسحق در مجالس المؤمنین می‌گوید: «خلاصه احوال فیض مأل آن [صفوه آل] آن است که خدمت ایشان از راه طریقت، مرید اسوة الاولیاء، شیخ زاهد گیلانی‌اند، و او مرید شیخ جمال‌الدین تبریزی، و او مرید شیخ شهاب‌الدین اهری، و سلسله ولایت ایشان، منتهی به حضرت امیرالمؤمنین علی . علیه السلام . می‌گردد. ۳۵»

اسکندر بیگ منشی در جلد اول عالم‌آرای عباسی می‌گوید: «القصة، شیخ زاهد در سیاه‌رود گیلان در شهر سنة سبعمائه به عالم عقبی شتافته و در امانجا مدفون گشت. و حضرت سلطان الاولیاء، شیخ صفی‌الدین، نسبت ارادت و خرّقه ارشاد از او یافته و او از سید جمال‌الدین و او از شیخ شهاب‌الدین محمود اهری و او به هفت واسطه از سید الطایفه شیخ جنید بغدادی. ۳۶» در جلد دوم عالم‌آرا نوشته است که: «در شهر ذی‌حجه سنه ۱۰۱۴ بعد از آن که شاه عباس اول، بنای قلعه تبریز را نهاد، به سمت اردبیل حرکت کرد و از اردبیل از راه مشکین به اهر قراداغ رفته، مقبره شیخ شهاب‌الدین اهری را زیارت نمود، در ۲۲ رمضان وارد تبریز شد، و حاتم بیگ اردوبادی اعتمادالدوله صدر اعظم، که از اولاد خواجه نصیر طوسی است که در این سفر همراه بود، در اهر قراداغ به حکم شاه عباس، تاریخ بنای قلعه تبریز را به نظم آورد:

قلعه تبریز چون اتمام یافت

دیده اعدای دین را میخ شد

باعث امنیّت تبریز گشت

«امن شد تبریز» از آن تاریخ شد ۳۷

و همین مطلب را نیز ملا جلال الدین یزدی می نویسد که: «در سیم شهر محرم، شاه عباس از تبریز به سمت اردبیل و در ۱۰ ماه به اهر به زیارت مقبره شیخ شهاب الدین اهری رفت و در پنجشنبه ۲۱ وارد تبریز شد.»^{۲۸} و در سنه ۱۰۴۴ شاه صفی به زیارت مقبره شیخ شهاب الدین اهری در مراجعت از ایروان فائز شد و ایلچی روس با یک بهله شونقار و بیست جامه

سمور به حضور آمد. و شیخ عبدالصمد برادر شیخ بهائی نیز در این سفر همراه بوده است. تمت الرساله.

این شرح حال را جناب مستطاب، آقا شیخ مهدی شمس العلماء قزوینی عبدالرب آبادی، که مؤلف دارالتالیف بود، به امر جناب جلالت مآب، آقای اعتمادالسلطنه نوشت و از تواریخ استخراج کرد. غلامحسین افضل الملک.

پی نوشت ها:

- حافظ حسین کربلایی تبریزی، روایات الجنان و جنات الجنان، تصحیح و تعلیق جعفر سلطان القرانی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ج ۱، ۱۳۴۴، ص ۳۵۷.
- شیخ عبدالغنائم رکن الدین سجاسی (سجاس: قصبه‌ای است از محال زنجان) از مشایخ صوفیه سده هفتم هجری است، و چندی از بزرگان عرفان و تصوف همچون شیخ اوحالدین کرماتی، شمس تبریزی و شیخ شهاب الدین محمود اهری، در مکتب تربیت و ارشاد وی پرورده شده‌اند. متأسفانه از این صوفی معروف و در عین حال گمنام، اطلاع چندانی در دست نیست. (ر.ک.:
- معین الدین ابوالقاسم جنید شیرازی، شدالآزار فی خط الاوزار عن زوار المزار، تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال، تهران، ۱۳۲۸، حواشی صص ۳۱۱-۳۱۴)
- ملا محمد امین حسری تبریزی، روضة الاطهار (مزارات متبرکه و محلات قدیمی تبریز و توابع)، به تصحیح و اهتمام عزیز دولت آبادی، تبریز، انتشارات ستوده، ۱۳۷۱، ص ۱۴۶.
- ابن بزگز اردبیلی، صفوة الصفا (در ترجمه احوال و اقوال و کرامات شیخ صفی الدین اسحق اردبیلی)، با مقدمه و تصحیح غلامرضا طباطبائی مجد، تهران، انتشارات زریاب، ۱۳۷۶، ص ۱۸۰.
- نمونه را نگ: سید حسن بن مرتضی حسینی استرآبادی، از شیخ صفی شاه صفی (از تاریخ سلطانی)، به اهتمام دکتر احسان اشراقی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۴، ص ۲۰.
- سید جمال الدین تبریزی، مرشد تربیت و ارشاد شیخ زاهد گیلانی است و سلسله ارشاد شیخ صفی الدین اردبیلی به واسطه او، به شیخ شهاب الدین اهری پیوند می خورد.
- حافظ حسین کربلایی، از بابا فرج وایقانی با عناوین «قطب دایره تحقیق» و «کاشف اسرار و معانی» یاد کرده، و آورده است: «وی بسیار بسیار بزرگ بوده، صاحب مقامات عالی و مراتب متعالی» (روضات الجنان، ج ۲، صص ۸۲۸). مرقد بابا فرج در وایقان از توابع شبستر (استان آذربایجان شرقی) واقع بوده، و امروز اثری از آن نیست. (ر.ک: دوستی، حسین، سیری در احوال و آثار شیخ شهاب الدین محمود اهری «عارف قرن هفتم هجری قمری»، اهر، انتشارات مهر علی، ۱۳۷۷، صص ۴۷-۴۵)
- حافظ حسین کربلایی، شیخ معین الدین اصحاب را دومین مرید شیخ شهاب الدین اهری معرفی کرده است (روضات الجنان، ج ۲، ص ۸۲) و متأسفانه از این صوفی گمنام نیز اطلاع در دست نیست.
- حافظ حسین کربلایی، او را با عناوین «طایر اشیان تقدیسی» و «قدوه اخبار و زبده احرار» خوانده و چند صفحه از روضات الجنان، ج ۲، صص ۸۸۲ را به ترجمه حال و کشف و کرامات ایشان اختصاص داده است. نیز، ر.ک: روضة الاطهار، صص ۱۵۱-۱۵۰. مزار شیخ حسن بنیسی در قریه «بنیس» از توابع شبستر واقع بوده، و در کنار مسجد نوساخت این قریه، مقبره‌ای معروف به مزار باله حسن موجود است، که آن را مزار شیخ می گویند. (ر.ک: کارنگ، عبدالعلی، آثار یاساتی آذربایجان شرقی «آثار و ابنیه تاریخی شهرستان تبریز»، تهران، انتشارات انجمن آثار ملی، ج ۱، ۱۳۵۰، ص ۱۵۳۴). آقای حسین دوستی، که به سال ۱۳۷۴ در جستجو و زیارت مرقد شیخ حسن بنیسی به قریه بنیس عزیمت کرده، آورده است: «... بعد از جستجوی زیاد و طی صحبت‌هایی با اهالی و مطلعین، سرانجام، قبری را در میدان روستای بنیس، جنب مزاری معروف به سید بابا برابیم نشان دادند. اتاقی تقریباً ۴×۲ با یک در و پنجره آهنی، که درش نیز قفل شده و در داخل آن سنگ قبری نیز مشاهده می شد. اتاقی محقر و ساکت و بی هیچ زائر و مهمانی» (ر.ک: سیری در احوال و آثار شیخ شهاب الدین محمود اهری، ص ۴۴).
- درباره آرامگاه و بقعه شیخ شهاب الدین اهری، ر.ک: کارنگ، عبدالعلی، «بقعه شیخ شهاب الدین محمود اهری»، یغمد شماره ۲۷ (۱۳۵۳).
- از شیخ صفی شاه صفی، ص ۱۳۴.
- ولی قلی بن داود قلی شاملو، قصص الخاقانی، با تصحیح و باورقی دکتر سید حسن سادات ناصری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱، ۱۳۷۱، ص ۲۴.
- سوره توبه، آیات ۲۲-۲۱.
- ر.ک: سیری در احوال و آثار شیخ شهاب الدین محمود اهری، صص ۸۶-۸۵.
- ر.ک: فتح نامه شیروان، دستنویس شماره ۱۴۲۱۵/۵۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، صص ۱۸۲-۱۸۴.
- از شیخ صفی شاه صفی، صص ۲۱۱-۲۱۰.
- همان، صص ۲۵۳-۲۵۴. جلال منجم، زبده التواریخ، نسخه خطی شماره ۱۴۱۳۵ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، برگ ۹۲.
- مرحوم کاشفی، متون بی نام عشق نامه را از کتاب تذکرة الاوصیاء بابا رحمت‌الله اهری، نسخه‌ای از این کتاب تاکنون موجود نیست. نقل کرده و آقای دوستی در شرح حال شیخ شهاب الدین به برخی از مطالب این متون استناد جسته است. باید گفت که انتساب این متون به شیخ شهاب الدین بعید است، و به قول دکتر صمد موحد احتمالاً این منظومه معجول را سراینده‌ای بی نوق به هم بافته و به شیخ شهاب الدین اهری، منسوب داشته است (ر.ک: موحد، صمد صفی الدین اردبیلی (چهره اصیل تصوف آذربایجان)، تهران، طرح نو، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱). به هر حال در استفاده از مطالب این متون، باید تردید داشت. اگر چنین متون بی نام شیخ شهاب الدین وجود داشته مطمئناً حسری تبریزی در شرح حال شیخ شهاب الدین اهری از آن بهره می برد، و یا لاقول، ذکری از آن می کرد. والله اعلم.
- یاد باد آن روزها که با استاد منفرد به محافل شعر خوانی می رفتیم و ایشان با خواندن شعرهای پر شور به پارسی و آذری، شنوندگان را به وجد و شوق می آورد. چندین بار با ایشان برای شعر خوانی به خدا آفرین (کناره رود ارس)، بستان آباد و ... رفتیم. خدای متعال، روحش را غریق آموزش خود کند!
- منفردی، علی، زندگینامه‌ی سلطان العارفین، قطب السالکین، شیخ المحققین، سلطان شهاب الدین اهری «شیخ المشایخ فی وقته» و بقعه شیخ در صحنه‌ی تاریخ اهر، چاپخانه شهاب، ۱۳۶۱.
- احوال و آثار وی را، ر.ک: غلامحسین افضل الملک، افضل التواریخ، به کوشش منصوره اتحادیه «نظام مافی» و سیروس سعوندیان، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱، صص سیزده. بیست و چهار (مقدمه مصححین).
- درباره وی، ر.ک: خیری، سید محمود، فرهنگ سخنوران و سراینندگان قزوین (تذکره شعرای قزوین)، به کوشش نقی افشاری، قزوین، انتشارات طه، ۱۳۷۰، صص ۱۲۰-۱۲۳.
- گویا این قرآن خطی، همان است که شیخ بهایی، هنگام زیارت مزار شیخ شهاب الدین اهری، بدان تفأل نموده است. مرحوم منفردی نوشته است: «یک جلد قرآن مجید از پوست آهو، منسوب به خط مبارک حضرات ائمه. علیه السلام. در این بقعه بوده، که پیش از شهریور ۱۳۲۰ شمسی به تهران برده‌اند» (ر.ک: زندگینامه‌ی سلطان العارفین، ص ۲۱)
- این قول زنوزی در بخش چاپ نشده ریاضی الاجته است و ما به دستنویس شماره ۲۱۹۰ این کتاب، که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است، مراجعه نمودیم، اما این نسخه ناقص بود، و متأسفانه این قول را در آنجا پیدا نکردیم. مجال تفحص دستنویسهای دیگر این کتاب را نیز نداشتیم.
- قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۵، ج ۲، صص ۴۲-۴۳.
- اسکندر بیگ منشی، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح محمداسماعیل رضوانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۷، ج ۱، صص ۲۴-۲۳. [در این کتاب، به جای «سیاه‌رود گیلان»، «ساورود» ضبط شده است].
- همان، ج ۲، صص ۹۱۱-۱۱۰.
- جلال منجم در زبده التواریخ (نسخه خطی شماره ۱۴۱۳۵ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، برگ ۷۰) در ذیل وقایع سال ۱۰۱۴ هجری قمری آورده است که شاه عباس «در غرة شهر ربیع الاول، از قشلاق قریباغ متوجه تبریز شده، بعد از زیارت شیخ شهاب الدین اهری [= اهری]، فی بیست و دوم ربیع الاول، داخل تبریز شدند.»

۸۲
شهرستان اهر